روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

دوشنبه | ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ | ٤ شعبان ۱٤٤۳ | ۷ مارس ۲۰۲۲ | سال چهاردهم | شماره ۳٤٤۳ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

| ۱۱۸۳ سال و ۱٤۲ روز گذشت |

ولادت باسعادت علمدار کربلا؛ حضرت اباالفضل العباس و روز جانباز را شادباش می‌گوییم

استقلال مجیدی گل‌گهر قلعه‌نویی را شکست داد

برد شیرین فرهاد

باخت تلخ یحیی در آبادان

صفحه ۶

نمایندگان مجلس تصمیم‌گیری درباره ادامه تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومانی را بر عهده دولت گذاشتند

دولت ماند و ارز ترجیحی

در صورت تصمیم به اصلاح ارز ترجیحی، دولت باید قدرت خرید کالاهای اساسی را با نرخ پایان شهریور ۱۴۰۰ حفظ کند

صفحه ۳

رهبر انقلاب در آیین کاشت ۲ اصله نهال، بر حفظ محیط زیست، استفاده بهینه از آب و خاک و جلوگیری از تخریب جنگل‌ها و منابع ملی تأکید فرمودند

حفظ محیط زیست حرکت دینی و انقلابی

حفظ محیط زیست جزو اساسی‌ترین و لازم‌ترین کارهای کشور و مؤسسات کشور است

صفحه ۴

عکس: Khamenei.ir

تیترهای امروز

گزارشی به بهانه عملیات رسانه‌ای این روزهای غربگرایان درباره درگیری‌های اوکراین

بازخوانی مواضع اصلاح‌طلبان درباره لزوم تسلیم ایران در برابر فشارهای خارجی

تئوریسین‌های خلع سلاح

صفحه ۵

توهین‌های نژادپرستانه و تبعیض‌های صورت‌گرفته علیه غیراروپایی‌ها در جنگ اوکراین، رویکرد واقعی غرب در قبال حقوق‌بشر را عیان کرد

اوکراین صحنه نژادپرستی اروپا

■ اوکراین: ۱۱ هزار سرباز روس کشته شده‌اند

صفحه ۷

نظارت دیوان محاسبات بر تمام شرکت‌هایی که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌کنند

توسعه چتر نظارتی دیوان محاسبات

صفحه ۳

برگزاری سومین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده سرکرده گروهک تروریست تندر

هماهنگ با هوک

صفحه ۲

نگاه

کاسبی جانسون با خون اوکراینی‌ها

نوید مؤمن: «لیز تراس» وزیر خارجه انگلیس اخیرا در یک کنفرانس خبری به تشریح اهداف لندن و کشورهای غربی در قبال روسیه پرداخته و تاکید کرده است: «ما ۲ هدف مشخص داریم؛ اول، پوتین باید در اوکراین شکست بخورد و ما داریم به اوکراین با تسلیحات دفاعی برای توقف تانک‌های روسی کمک می‌کنیم، البته باید کارهای بیشتری انجام دهیم و دوم، ما داریم جناح شرقی ناتو را تقویت می‌کنیم».

رادیکالیزه کردن نبرد در اوکراین، هدف مستقیمی است که انگلیسی‌ها در اوکراین دنبال می‌کنند. در حالی که مذاکرات دوجانبه روسیه و اوکراین در بلاروس بر سر حل‌وفصل برخی موضوعات مانند ایجاد کریدور امن برای غیرنظامیان و محافظت از منطقه چرنوبیل به نتیجه رسیده است، دمیدن بر آتش جنگ اوکراین از سوی لندن نمی‌تواند به صورت تصادفی و بر اساس اتفاق باشد! به‌راستی انگلیسی‌ها چه اندیشه‌ای در قبال جنگ اوکراین و تبعات آن دارند؟ واقعیت امر این است که فروکش کردن بحران در اوکراین و پایان جنگ در این کشور، خط قرمز دولت بوریس جانسون در انگلیس محسوب می‌شود. نخست‌وزیر انگلیس جنگ اوکراین را تنها برگ برنده خود برای بقا در خانه شماره ۱۰ «داونینگ استریت» در لندن می‌داند. تا قبل از وقوع نبرد در اوکراین، جانسون در آستانه استعفا از مقام خود قرار داشت.

نظرسنجی گروه «کمپین ۳۸ درجه» نشان می‌دهد رسوایی میهمانی «پارتی‌گیت» چه میزان به نخست‌وزیر انگلیس آسیب رسانده است. به گفته اکثریت قاطع رای‌دهندگان، بوریس جانسون فردی غیرصادق است. بر اساس نظرسنجی آژانس «سرویشن» مستقر در لندن -که این نظرسنجی را برای گروه کمپین ۳۸ درجه انجام داده است- ۷۶ درصد انگلیسی‌ها معتقدند نخست‌وزیر فردی فاقد صداقت است، زیرا او برای نجات مقام نخست‌وزیری خود از اتهامات رسوایی برگزاری میهمانی در ایام کرونا - موسوم به پارتی‌گیت- تقلا می‌کند. ۷۰ درصد از ۲ هزار و ۳۶ نفری که در این نظرسنجی شرکت کردند، بر این عقیده‌اند او فاقد صداقت است.

جانسون در شرایطی که فشارها درباره استعفا و کناره‌گیری وی از قدرت تشدید شده است، ترجیح داده با خلق و استمرار یک بحران خونین در اوکراین، افکار عمومی کشورش را از تمرکز بر پارتی‌گیت و دیگر بحران‌های داخلی از جمله ناتوانی دولت انگلیس در مدیریت عواقب برگزیت بازدارد. در این معادله، اساسا برای جانسون جان انسان‌ها اهمیتی ندارد؛ چه در اوکراین، چه در دیگر نقاط دنیا!

ادامه در صفحه ۶

تبیین حسینی، مقدمه قیام عاشورا / ۲ و پایانی

یادداشت

محمدرضا حدادپورجهرمی:

حضرت امام حسین(ع) در ادامه خطبه نورانی منا درباره سکوت در برابر تکلیف عالمان می‌فرمایند: «و إنّما عابَ‌اللهُ ذلکَ عَلَیهِم لأنَّهُم کانوا یَرَونَ مِنَ الظَّلَمَهِ الّذینَ بَینَ أظهُرِهِمُ المُنکَرَ و الفَسادَ فلا یَنهَونَهُم عَن ذلکَ...؛ در حقیقت خداوند سکوت علما و دانشمندان را از آن جهت عیب می‌شمارد که آنان با چشم خود می‌دیدند ستمکاران به زشت‌کاری و فساد پرداخته‌اند و باز منع‌شان نمی‌کردند». «رَغبَه فیما کانوا یَنالونَ مِنهُم، و رَهبَه مِمّا یَحذَرونَ، واللهُ یَقولُ فَلا تَخشَوُا النّاسَ وَ اخشَونِ و قالَ المُؤمِنونَ وَالمُؤمِناتُ بَعضُهُم أولیاءُ بَعضٍ یَأمُرونَ بِالمَعروفِ وَیَنهَونَ عَنِ المُنکَرِ؛ و این سکوت به خاطر علاقه به مال بود که از آنان دریافت می‌کردند و نیز به جهت ترسی بود که از آزار و تعقیب آنان به دل راه می‌دادند. در حالی که خدا می‌فرماید: «از مردم نترسید و از من بترسید». و می‌فرماید: «مردان و زنان مؤمن بعضی از آنان دوستدار بعضی دیگرند که همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند».

سیدالشهدا در این قسمت از خطبه می‌فرمایند: خداوند سکوت علما و خواص جامعه را که شاهد و ناظر شیوع فسق و فجور در بین مردم هستند و از اتفاقات محیط اطراف‌شان آگاه هستند، عیب و ننگ شمرده است. به عبارت دیگر خداوند سبحان، سکوت آنان در برابر تکلیف نهی از منکر را عیب و ننگ محسوب می‌کند و قطعا سکوت در برابر تکلیف، تکلیف در برابر سکوت می‌آورد.

در «نهی از منکر» نکات بسیار ظریفی وجود دارد که درباره «امر به معروف» وجود ندارد. در قرآن و روایات تأکید شده است «امر به معروف» باید با لسان لین انجام شود ولی نوع غالب روایات ما درباره «نهی از منکر»، لسان لین را همراه با زبان و برخورد تند و ترساندن مطرح کرده‌اند.

نوع غالب بیان آیات قرآن بیشتر به «نهی از منکر» پرداخته است تا بیان «امر به معروف»، هر چند خطاب آن با هم ذکر شده باشد و معمولا جملات سالبه و ناهیه‌ای که در قرآن ذکر شده «نهی از منکر» است؛ بنابراین «نهی از منکر» بیشتر در ذوق فرد می‌خورد و تأثیرگذارتر است تا فرد را «امر به معروف» کنیم. یعنی هر کس می‌داند مردم مرتکب منکر می‌شوند ولی هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دهد و حداقل در ذوق آنها نمی‌زند، خداوند این سکوت آنها در مقابل تکلیف را عیب شمرده است و فردای قیامت باید در محضر معصومین جواب پس بدهند.

امیرمؤمنان می‌فرمایند: «کمترین حد نهی از منکر آن است که با مردم گناهکار با چهره‌ای درهم کشیده و ترشرویی برخورد کنید».

«بایدها» را همه می‌دانند و در غالب سمینارها و همایش‌هایی که با هزینه‌های گزاف برگزار می‌شود، خواص جامعه، فقط برای بیان «بایدها» دور هم جمع می‌شوند، در حالی که متأسفانه در مملکت و جامعه ما «نهی از منکر» روی زمین مانده است و سمینار و همایشی که جملات سالبه و ناهیه به کار ببرند، بسیار کم برگزار می‌شود. «امر به معروف» خوب است و هر کس هم این کار را انجام می‌دهد یک چهره معنوی مقدس‌مآب به خودش می‌گیرد، در حالی که معروف را اکثر مردم می‌دانند، متأسفانه در مملکت و جامعه ما منکر زیاد شده و نهی از آن نمی‌شود. سیدالشهدا فرموده‌اند خداوند طبقه روشنفکر، نخبگان و کسانی را که خبره هستند، در قیامت به دلیل ترک «نهی از منکر» بازخواست می‌کند.

سیدالشهدا در ادامه خطبه، ۲ دلیل سکوت و نهی از منکر نکردن نخبگان و خبرگان جامعه را بیان می‌فرماید: «رَغبَه فیما کانوا یَنالونَ مِنهُم»؛ بعضی از شما چشم طمع‌تان زیاد است و می‌ترسید نان و روزی خودتان و نزدیکان‌تان قطع شود. «و رَهبَه مِمّا یَحذَرونَ»؛ بعضی از شما می‌ترسید، فقط کافی است شما را تهدید کنند، ترس تمام وجود شما را فرا می‌گیرد و دیگر نمی‌توانید صحبت کنید؛ در حالی که انسان مؤمن باید از خدا بترسد، نه از مردم. کسانی که به سمت مادیات گرایش دارند و دغدغه نان دارند، طمع‌کار می‌شوند و مطمئنا به گونه‌ای حرف می‌زنند و موضع‌گیری می‌کنند که به اصطلاح، نان‌شان را نبرند. روایت بسیار زیبایی درباره دغدغه نان نداشتن و حرص مال نخوردن از مولی‌الموحدین نقل شده است: خداوند سبحان می‌فرماید زمانی غصه نانت را بخور و زمانی نگران شو و بترس از اینکه شاید سر گرسنه بر زمین بگذاری که مطمئن شده باشی خزانه نامتناهی من خالی شده باشد. امیرالمؤمنین در روایت دیگری می‌فرمایند: در صورتی که شما سخنی بگویید که خداوند سبحان خواسته است، اگر همه مردم، همه درها را به روی شما ببندند، باز هم خداوند روزی شما را خواهد فرستاد. سؤال کردند: روزی‌اش از کجا و از کدام راه تأمین می‌شود؟ مولا فرمودند: قبل از اینکه به این سؤال پاسخ بدهم صدایت به گوشم بسیار آشناست، تو جبرئیل نیستی؟ جبرئیل پاسخ داد: بله، خودم هستم! امیرالمؤمنین در ادامه فرمودند: خداوند روزی‌اش را از همان جا می‌رساند که مرگش را می‌رساند. یعنی همان‌طور که اگر انسان هزاران لایه حفاظتی اطراف خودش قرار دهد، باز هم نمی‌تواند از مرگ فرار کند، خداوند با وجود موانع، به همان روش روزی او را می‌رساند. مهم‌ترین گروهی که به فرمایش امام خمینی(ره)، ظلم کردند و بستر گناه را برای ثروتمندان و قدرتمندان مهیاتر کردند، روحانیون درباری بودند که گاهی اوقات بعضی حرف‌ها را بر خلاف رأی خدا و سنت پیامبر و فرهنگ سیدالشهدا اما به کام اعلی‌حضرت(!) بیان می‌کردند، چون از یک سو جامعه متملق شده بود و از سوی دیگر روحانیون درباری دغدغه نان داشتند.

سیدالشهدا در این خطبه، دلیل سکوت بعضی نخبگان جامعه را «ترس» معرفی کردند: «و رهبه مما یحذرون». هر آنچه موجب دلهره انسان می‌شود، ترس نامیده می‌شود؛ خوف مطلق در روایات، همان ترس است.

یکی از دلایل و در واقع توجیهاتی که روحانیت و قشر نخبگان مرتکب می‌شوند و در بین آنها رایج است، این است که سکوت خود را که ناشی از ترس است، توجیه می‌کنند تا عذاب وجدان هم نگیرند. مثلا می‌گویند من روحانی و امام جماعت فلان مسجد هستم یا در فلان منصب دولتی مشغول خدمت هستم و چون صحبت‌ها و موضع‌گیری‌هایم مطمئنا به مزاج بعضی‌ها خوش نمی‌آید، باعث تفرقه در بین مردم می‌شوم، بنابراین مصلحت این است که سکوت کنم همان‌گونه که مولا هم ۲۵ سال سکوت کرد یا تقیه کنم! در حالی که این شخص غافل است از اینکه در حقیقت خودش را فریب می‌دهد و حکم تقیه برای خود صادر کردن، فقط از روی ترس است. اگر قرار است همه اینطور فکر کنند، باید بگوییم خدا شریح قاضی را رحمت کند که حکم قتل سیدالشهدا را با سرافرازی در مکه و مدینه و بصره و کوفه صادر کرد؛ او حداقل شجاعتش از کسانی که سکوت‌شان را توجیه می‌کنند، بیشتر بود.

حداقل ۵ عامل برای ترس نخبگان جامعه، روحانیون و سایر مردم وجود دارد: الف) ترس از روزی نخوردن ب) ترس از پیگیری قضیه و تعقیبات بعدی ج) ترس از تنهایی د) ترس از چشم مردم افتادن ه) ترس از به هم ریختن سازمان! این تفکر اشتباه است که نخبگان جامعه، برای جلوگیری از شکاف و شقاق در بین مردم سکوت می‌کنند. با این تفکر اگر قرار بود بین مردم شکاف ایجاد نشود ـ نعوذبالله ـ امام حسین یک نوع عامل تفرقه محسوب می‌شود. در حالی که بین مردم خود به خود شکاف و شقاق وجود دارد اما فعل و عمل نخبگان جامعه حجت است و حتی اگر در مسیر کج حرکت کنند، همه مردم قربه الی‌الله پشت سر آنها حرکت می‌کنند.

سیدالشهدا در ادامه خطبه منا می‌فرمایند: چرا از مردم می‌ترسی؟ چه کسی سبب ترست شده است؟ خودت و فکرت! در حالی که خداوند می‌فرماید نباید از مردم بترسی، بلکه اگر کسی شایسته ترس است، تو باید از من خدا که «مالک یوم‌الدین» هستم، بترسی. این نکات درس توحید است، درس خوف همراه حزن است، این جهان‌بینی ترس است که هر کس هم می‌ترسد در راه خدا باید ترسش را اعمال کند.

امام حسین در دنباله همین خطبه زیبا فرمودند: «المُؤمِنونَ وَالمُؤمِناتُ بَعضُهُم أولیاءُ بَعضٍ یَأمُرونَ بِالمَعروفِ وَیَنهَونَ عَنِ المُنکَرِ؛ مردان و زنان باایمان بر یکدیگر ولایت دارند، از این رو یکدیگر را به کار شایسته فرمان می‌دهند و از کار ناپسند نهی می‌کنند». خداوند در آیه ۶۷ سوره توبه درباره منافقان تعبیر «بعضهم من بعض» را آورده است اما این آیه درباره مؤمنان می‌فرماید: «بعضهم أولیاء بعض»؛ شاید اختلاف تعبیر به خاطر آن است که بر خلاف مؤمنان، وحدت عمیق و پیوند ولایت در میان منافقان نیست و هنگام بروز منافع شخصی، وفادار نیستند و وحدت‌شان ظاهری و صوری است. به قول قرآن:

«تَحسَبُهُم جَمیعًا وَقُلوبُهُم شَتّی؛ آنان را متحد می‌پنداری در حالی که دل‌های‌شان پراکنده است».

حضرت سیدالشهدا(ع) در ادامه می‌فرمایند: «فَبَدَأَ اللهُ بِالأَمرِ بِالمَعرُوفِ وَالنَّهیِ عَنِ المُنکَرِ فَریضَه مِنهُ لِعِلمِه بِأَنَّها إِذا أُدِّیَتْ وَ أُقیمَتْ اسْتَقامَتِ الفَرائِضُ کُلُّها هَیِّنُها وَ صَعْبُها وَ ذلِکَ أَنَّ الأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ دُعاءٌ إِلَی الإِسْلامِ مَعَ رَدِّ الْمَظالِمِ وَ مُخالَفَه الظّالِمِ وَ قِسْمَه الْفَیْءِ وَ الْغَنائِمِ وَ أَخْذِ الصَّدَقاتِ مِنْ مَواضِعِها وَ وَضْعِها فِی حَقِّها»

خداوند در آیه ۷۱ سوره توبه، در شمردن صفات مؤمنانی که مظهر دوستداری و رهبری متقابل هستند، از امر به معروف و نهی از منکر شروع می‌کند و نخست آن را واجب می‌شمارد، زیرا می‌داند اگر امر به معروف و نهی از منکر انجام بگیرد و در جامعه برقرار شود: ۱- همه واجبات از آسان گرفته تا مشکل، همگی برقرار خواهد شد. ۲- دعوت به اسلام و دین، مصداق کامل پیدا می‌کند. ۳- حقوق ستمدیدگان به آنها بازمی‌گردد. ۴- مبارزه و مخالفت با ستمگران شکل می‌گیرد. ۵- ثروت‌های عمومی طبق قانون عادلانه اسلام توزیع می‌شود. ۶- صدقات (زکات و مالیات‌ها) از موارد صحیح و واجب آن جمع‌آوری می‌شود. ۷- بیت‌المال در موارد صحیح و شرعی مصرف می‌شود.

کلمه «فریضه» و «فرضیه» در منابع روایی و حدیث، بر وجوب آن امر دلالت می‌کند. دلیل استفاده از «فریضه» به جای «واجب» این است که کلمه «فریضه» یعنی امر مورد نظر، بسیار بسیار واجب است.

امر به معروف و نهی از منکر ستون فقرات ایمان محسوب می‌شود؛ طبق روایات هر کس امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند، ثابت نمی‌کند که صالح و مصلح است.

ضمیر «منه» در «فریضه منه» به صحابه پیامبر و عالمان بازمی‌گردد و لام در «لعلمه»، لام تعلیل است، بنابراین امر به معروف و نهی از منکر بر صحابه پیامبر و عالمان واجب است، چون علم دارند و می‌دانند.

با توجه به قید «لعلمه» درمی‌یابیم مخاطب سیدالشهدا فقط جامعه روحانیت نیست، بلکه مخاطب حقیقی ایشان هر کسی است که علم دارد و می‌داند.

سیدالشهدا در ادامه خطبه می‌فرمایند: وقتی روحانیت، نخبگان و خواص جامعه امر به معروف و نهی از منکر کنند، در واقع دین خود را پرداخته‌اند و هر کس هم دینش را پرداخت، واجباتی که در مسائل فردی و اجتماعی به گردنش هست، اعم از آسان یا مشکل، بهتر می‌تواند پیاده کند: «إِذا أُدِّیَتْ وَ أُقِیمَتْ اسْتَقامَتِ الْفَرائِضُ کُلُّها هَیِّنُها وَ صَعْبُها».

امر به معروف و نهی از منکر، دعوت کردن و فراخواندن مردم به طرف دین است. بنابراین در هر جایی که انسان شاهد بی‌تقوایی، بی‌قانونی، ضددین و خلاف شرعی است، وظیفه‌اش تذکر دادن و نهی از منکر است: «وَ ذلِکَ أَنَّ الأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ دُعاءٌ إِلَی الإِسْلامِ».

آنچه در این قسمت از سخنان امام مهم است، بیان ابعاد وسیع و مفهوم گسترده امر به معروف و نهی از منکر و اشاره به مهم‌ترین بعد و جنبه عملی در این مساله اساسی و حیاتی است، زیرا امام با استناد به ۲ آیه از قرآن مجید می‌فرمایند: اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه برقرار شود، همه واجبات از کوچک و بزرگ عملی و همه مشکلات حل خواهد شد، آنگاه برای نمونه و مصداق، ۷ مورد از این امور را بیان می‌کنند. بدیهی است انجام امر به معروف و نهی از منکر در این سطح وسیع، مبارزه با ستمگران و گرفتن حقوق و ریشه‌کن ساختن جور و فساد و اقامه عدل و داد در جامعه نمی‌تواند به صورت فردی یا با امر به معروف زبانی و بدون تشکیل حکومت اسلامی و ایجاد نیروهای اجرایی امکان‌پذیر باشد. این بیان حسین بن علی(ع) پاسخ روشنی است به کسانی که این امر مهم و زیربنایی را در ابعاد کوچک و در جهت فردی و در جنبه زبانی و نه عملی آن می‌دانند و دلیل دیگری است بر وجوب تشکیل حکومت اسلامی و اجرای عملی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه. به همین دلیل و دلایل فراوان دیگر است که گروهی از فقهای بزرگ شیعه، جهاد را با تمام اهمیت و عظمتش و با تمام ابعاد و احکامش، بخشی از امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند و گوشه‌ای از این ۲ وظیفه مهم اسلامی به حساب می‌آورند و جمله «أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاه، وَآتَیْتَ الزَّکاهَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ» که در زیارتنامه‌های حضرت سیدالشهدا به کار رفته، گواه این حقیقت است و این معنا را می‌رساند که قیام و جهاد آن حضرت در مقابل حکومت یزید به جهت اجرای فرایض الهی و اقامه نماز و زکات و برای انجام دادن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بوده است. خلاصه! امر به معروف و نهی از منکر به مفهوم وسیع و معنای صحیح و دقیق آن، که عبارت از بسط عدل و داد و ریشه‌کن ساختن ظلم و فساد است، مستلزم وجود حکومت اسلامی است و اگر امر به معروف و نهی از منکر به این معنا در جامعه اجرا نشود و حکومتی بر پایه اسلام به وجود نیاید، طبیعی است جای آن را اشرار خواهند گرفت و ستمگران بر جامعه تسلط خواهند یافت، همان گونه که امیرمؤمنان در آخرین وصیت خویش فرمودند: «لا تَتْرُکوا الأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ فَیُوَلّی عَلَیکُمْ شِرارُکُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلا یُسْتَجابُ لَکُمْ؛ امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرار بر شما مسلط می‌شوند، سپس هر چه دعا کنید، مستجاب نمی‌شود».